

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: حمید بهشتی  
۰۴ مارچ ۲۰۱۳

## نقدی بر اخلاق غرب

### اخلاق غربی

برلین/ واشنگتن- گزارش ویژه- کارشناسان سیاست خارجی در برلین و واشنگتن به استدلال های حقوق بشری حملات نظامی انتقاد می کنند. بر اساس تحقیقاتی که به تازگی از جانب «بنیاد علم و سیاست» انجام گرفته است اکنون دیگر برای بخشی از افکار عمومی غرب توجه جنگ تحت لوای حقوق بشر در حکم وظیفه در آمده است. برخورد اخلاقی افکار عمومی غرب در نظر نقادان رویکرد جنگی از جمله در مورد جنگ لیبیا فاقد هر گونه اخلاقیات و تفاهمی برای قربانیان این جنگ می باشد و این فقط در مورد تحریفات رسانه ای که مرتب صورت گرفته و از عواقب حملات جنگی چشم پوشی می کنند، مصداق ندارد. در حالی که جنگ لیبیا واقعاً کشتگان زیاد و ناهنجاری های اجتماعی شدیدی را موجب گشت، جنگ مالی را که در منطقه شمال صحرای افریقا باعث ناآرامی های وسیع جدیدی گشته است، می توان نتیجه جنگ لیبیا دانست. کارشناسان امریکائی خاطر نشان می سازند که حمله نظامی به کشورهای بیگانه برای پیشگیری از خشونت توجه هائی نیز هست که امریکا با استفاده از هواپیماهای بی سرنشین آغاز می نماید.

### جنگ به عنوان وظیفه

انتقاد صریح به (ادعای) مسؤلیت محافظت (م م R2P=Responsibility to Protect) را یکی از نویسندگان بنیاد علم و سیاست به تازگی در تحقیقاتی عنوان نموده است. بنا بر تحقیقات مزبور، طرح م م نه تنها مبنای رویکرد سابق را که «اقدام نظامی انساندوستانه» بود ادامه می دهد، بلکه بی پروا از آن نیز فراتر می رود: تصور «مسؤلیت محافظت» نه تنها اقدام نظامی در خارج را در موارد متکی بر این استدلال مجاز می داند بلکه آن را عملاً در شرایط ویژه به وظیفه مبدل می کند. بر این اساس قدرت هائی که نیروی نظامی لازم را در اختیار دارند، در مواردی که حقوق بشر به شدت تضییق گشته و اقدام نظامی ممکن باشد، باید اقدام به حمله نظامی نمایند. نتیجه گیری بنیاد علم و سیاست چنان است که «حمله از خارج» تبدیل به «وظیفه اخلاقی» می گردد. [۱] مؤلف تحقیقات مزبور در تحلیل خود بدین نتیجه می رسد که م م به لحاظ دارا بودن جنبه اخلاقی افراطی دچار تناقضات ارزشی است.

### تحریفات رسانه ای

تحقیقات مزبور نشان می دهد که بر اثر م م «پروای آغاز حمله کمتر می گردد». گویی «در تقابل اخلاقی افکار عمومی غرب» «اقدامات نظامی که تحت لوای حقوق بشر صورت می گیرند» حال دیگر از موقعیت برتری برخوردار گشته

اند. زیرا به طوری که در تحقیقات مزبور آمده است «رویکرد مخالفان حمله نظامی فاقد مبانی اخلاقی بوده، نسبت به سرنوشت قربانیان احتمالی فجایع انسانی فاقد احساس همدردی می باشند». در حالی که نگاهی به جنگ لیبیا که برای اولین بار با تکیه بر مسؤلیت محافظت صورت گرفت نشان می دهد که اینگونه استدلال ها برای تحریفات رسانه‌ئی مورد استفاده قرار گرفته است. و سازمان عفو بین المللی در تحلیلی از وقایع لیبیا نشان داد که «نه برای ادعای تجاوزات وسیع جنسی و نه برای حملات هوایی علیه تظاهرکنندگان دلائل کافی» وجود داشته است. [۲] در حالی که با همین گونه استدلال ها بود که حمله به لیبیا توجیه می شد. همچنین برای این ادعا که در آنجا کشتار قومی صورت می گرفت نیز نویسنده تحقیقات مزبور استنادی نیافته است. برای مواردی که نیروهای دولتی شهرهائی را دوباره به تصرف در آورده بودند نیز علی رغم تمامی خشونت های اعمال شده نتوانستند «دلیلی برای سیاست کشتن عمدی افراد و یا کشتار قومی بیابند». در حالی که در مقابل با تحریک شورشیان با این شایعه که احتمال می رود کشتار قومی صورت گیرد نتوانستند غرب را به حمله نظامی برای دفاع از شورشیان بکشانند. نویسنده مزبور ناگفته نمی گذارد که هدف غرب سرنگونی قذافی بوده است. و به همین دلیل نیز غرب در توجیه حمله نظامی با به کار بردن عبارت «مسؤلیت محافظت» بی منفعت نبوده است.

### عواقب حمله نظامی

گذشته از این حقیقت که توجیه حمله نظامی همواره در شرایط هیجان های شدید اخلاقی اتخاذ می گردد مؤلف تحقیقات مزبور به یک تضاد دیگر در طرح م اشاره می کند: خلق و خوی تهاجمی مربوطه بدین صورت بروز می نماید که فقط بر حدسیات تکیه و «ارزش مهم بودن عواقب آن را انکار می نمایند». به همین جهت است که تا امروز نیز حتّاً با اطمینان نسبی نمی توان گفت که از وقوع چه امری با جنگ لیبیا جلوگیری به عمل آمد. [۳] اما این را می توان تشخیص داد که عواقب جنگ مزبور دستکم در آینده نزدیک در چه راستا می باشد. علاوه بر رقم جانباختگان این جنگ که بیش از ۱۰ هزار بوده و رقم مجروحان که چند برابر آن می باشد میزان خسارات وارده فاجعه بار است. بخش های وسیع لیبیا از زمان جنگ در کنترل شبه نظامیانی است که گاه به گاه علیه همدیگر می جنگند، گرایشات اسلامگرایانه تشدید گشته [۴] و سازمان های تروریستی تقویت یافته اند. لیبیا همانگونه که گرونگیری پر دامنه ای که در یکی از میدان های استخراج گاز در الجزایر نشان داد زمینه رشد برای عملیات تروریستی گشته است. نژاد پرستان به میزان وسیعی به شکار سیاه پوستان افریقائی پرداخته، آنها را از کشور فراری داده اند و این خود جنگ مالی را ممکن [۵] و تقابل های موجود در نواحی صحرای ساحل افریقا را تشدید ساخت. لذا می توان گفت که عواقب اقدامات نظامی «حقوق بشری» غرب هنوز قابل پیش بینی نمی باشند.

### جنگ به عنوان محور

مؤلف تحقیقات فوق نهایتاً به تضادی دائمی در اخلاقیگری نظامی غرب اشاره می کند مبنی بر این که در واقع جنگ است که محور گشته است. این پرسش باید مطرح گردد که چرا در مباحث عرصه عمومی (...) بدین جهت که «وظیفه جلوگیری از کشار قومی و جمعی با استفاده از راه های نظامی بالاتر از این وظیفه که از گسترش مالاریا و سایر بیماری ها جلوگیری صورت گیرد» ارج نمی گذارند. «این فکر قابل تأمل است که چرا ضعف شرایط ساختاری که موجب عدم تأمین حقوق اولیه انسانها می گردد [۶] و از جمله فقر فاحش، به ویژه در بسیاری از کشورهای جنوبی جهان، معمولاً برای حامیان حملات نظامی «نقشی را ایفاء نمی کنند». در این باره حتماً می باید اندیشید که «آیا انسانهای بیشتری را نمی شد نجات داد» در صورتی که منابع مالی را که صرف یک حمله نظامی می گردد «در جهت

دیگری به کار می بردند». مسلم است که استدلال فوق محدودیت های تحلیل ارزشی طرح م م را عیان می سازند: روشن است که جنگ ها به خاطر منافع حکومت ها آغاز گشته و از راه م م فقط توجیه می گردند. زیرا در غیر این صورت این قابل توضیح نمی بود که چرا درست همان جنگی که پس از ۱۹۴۵ بیش از سایر جنگ ها کشته داشته است تا کنون هیچ اقدام دائمی نظامی غرب را به صحنه نیاورده است: جنگ واقع در جمهوری دموکراتیک کنگو.

### جنگ با هواپیماهای بدون سرنشین

این که غرب به خاطر منافع قوی که دارد رو به استفاده از استدلال های حقوق بشری آورده است تا امکانات حضور خویش در کشورهای بیگانه را هرچه افراطی تر گسترش دهد، اکنون دیگر در ایالات متحده امریکا نیز در ارتباط با جنگ توسط هواپیماهای بدون سرنشین مطرح است. اینست که در یکی از مقالات تازه نشریه کارشناسی سازمان نظارت بر سیاست خارجی foreign policy گفته می شود با بذل توجه بر «مسئولیت محافظت» می توان گفت که آن می کوشد ساخت های ادعائی یا حقیقی تروریستی را در سراسر گیتی تعقیب نماید. زیرا اینکار را به هر صورت می توان با مبارزه به خاطر حقوق بشر نیز توجیه کرد. این که اینکار توسط هواپیماهای مرگبار بدون سرنشین نیز صورت می گیرد و خودسرانه کسانی به قتل می رسند نقطه اوج کنونی پیشرفت اقدامات نظامی است. مسلم است که غرب با اینکار نظم فعلی ظریف بین المللی موجود را که بر اصل حاکمیت کشورها متکی است سست می سازد. [۷] آنچه با از بین رفتن این اصل با تمام نارسائی های آن از دست می رود که تحقیقات فوق الذکر نیز تأیید می کند، اهداف محوری حاکمیت ملی را به خاطر می آورد که «اولاً نگهداری استقلال کشورها و صلح میان آنهاست و در ثانی تضمین حق تعیین تکلیف برای جوامع و افرادی است که در آنها زندگی می کنند». [۸]

[1], [2], [3] Peter Rudolf: Schutzverantwortung und humanitäre Intervention. Eine ethische Bewertung der "Responsibility to Protect" im Lichte des Libyen-Einsatzes, SWP-Studie S 3, Februar 2013

[4] s. dazu Eine Atmosphäre der Straflosigkeit, Europas Wächter und Außer Kontrolle

[5] s. dazu Ein Land am Abgrund

[6] Peter Rudolf: Schutzverantwortung und humanitäre Intervention. Eine ethische Bewertung der "Responsibility to Protect" im Lichte des Libyen-Einsatzes, SWP-Studie S 3, Februar 2013

[7] Rosa Brooks: Hate Obama's Drone War? www.foreignpolicy.com 14.02.2013

[8] Peter Rudolf: Schutzverantwortung und humanitäre Intervention. Eine ethische Bewertung der "Responsibility to Protect" im Lichte des Libyen-Einsatzes, SWP-Studie S 3, Februar 2013

برگرفته از سایت سازمان مراقب سیاست خارجی آلمان

۲۷ فبروری ۲۰۱۳

<http://www.german-foreign-policy.com/de/fulltext/58548>

